

ضمیمه

تیر و بلوچ



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات بلوچستان

(اتحاد زحمتکشان بلوچستان) * شماره ۳۹ تاریخ ۵۹/۶/۱۶ بهاء ۱۰ ریل

در بلوچستان چه میگذرد؟

در این گذرگاه متوجه‌های هنوز متوجه آن بختوانده‌ها و واقع گوشت دم‌تویی هستند که میتوانستند در سرکوب و مغایله‌ها مبارزات توده‌های بی‌خاسته و غیر متوجه و سرروهای انقلابی و کمونیست مورد بهره‌برداری رژیم قرار گیرند. این همان روندی است که امروزه منتهی به جنبه حرکت عمومی جامعه ما را تسریع کرده و هر روز به اجزاء و مؤلفه‌های مختلف آن در سطحی سیاسی آماده‌تر گشته و کل جامعه را بسوی یک جنگ داخلی (روپا روشی قطب انقلاب و ارتجاع پسو میدهد. جنگی که نتیجه احتیاط بنا پذیر عمل کرده و تضادهای طبقاتی در درون جامعه ما بوده و هیات ها که تیز برای اعمال و تصادوم حاکمیت خویش تا گزیرا زدست بازین میدان است.

تعمین سرکوب خویش بر سر سید بشا بد سلطنتی است و زور و ساق سنگر وجود هرگونه مسئله‌ای بنا مسئله ملی و خلفها ست. واقعات جا همه توده‌ها را بر سرمت بکناری میزند و رژیم هر روز توده‌های وسیعتری را در مقابل خویش می‌یابد. هیات ها که در مقابل به سبب خواسته‌های حق توده‌ها و خلفها ی تحت ستمنا کزیر برای تشمت و اعمال حاکمیت ارتجاعی خویش چاره‌ای جز سرکوب و به خون کشیدن مبارزات آنان را ندارد. و

موتنه‌ای که در پیش روی شما قرار دارد، توسط نقای تشکیلات بلوچستان سازمان (اتحاد زحمتکشان بلوچستان) و در باره واقع و احوال سیاسی و اجتماعی بلوچستان تهیه شده است. این مقاله قبلا بمنسوان سیمه "سرد بلوچ" شماره ۲۹ در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ منتشر گردیده است. اما بنا به ابعیتی که این نوشته از نظر سیاسی در شرایط عملی داشت، ما تصمیم گرفتیم، بنا بر نوشته را مجدداً و با اندکی تغییرات بسورت سیمه "پیکار" شماره ۳۲ نیز منتشر نماییم.

بلوچستان نیز علیرغم شرایط مشخص و ویژگیهای خویش از این روند عمومی مستثنی نیست. اما اینکه چگونه، بیروتکوبین روند جنگ داخلی به مفهوم نسوق، در بلوچستان نیز بهمانند سایر مناطق ایران خواهد بود یا نه، مسئله‌ای است که خود ویژگی شرایط این منطقه آن پاسخ میگوید. از اینرو قبلا از آنکه به تاخیرات این خود ویژگی بر روند عمومی وسیع حرکت منطقه میردا زیم، لازم است که به امور روشی این شرایط ویژه‌نگاه‌های اجمالی بیفکنیم:



در بلوچستان چه میگذرد؟

هر روز که میگذرد رژیم جمهوری اسلامی نتوانی و زمانندگی خود را در این سگوشی به مشکلات اساسی جامعه جانتزیم سازد. بر سر توده‌ها همان همه جانبه اقتصادی و سیاسی اولنگدگویی به حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی توده‌ها، جنبش توده‌ای با سازمانی خاص خویش حرکت سمت مدرنیسمی بخود گرفته و میگوید. رژیم جمهوری اسلامی که خود نیز از درون دستخوش تضادهای اجتماعی و قدرتمند ما کمبیا شده‌ها جز تراژدی آن است که خواسته‌های حق توده‌ها و خلفها ی تحت ستم‌پاس گوید رژیم جمهوری اسلامی خواست حقه خلقهای کسرد، رکن بلوچ و... را با کتلونه جواب میدهد. در مقابل مبارزات قهرمانانه خلق کرد در بهای جزنا تک، متوب بر خانمائی وسیع توده‌ها در دست ندارد. و این دیگر رای خلقهای تحت ستمیای میبندده است که جنبش سیاسی آنها قادر نیست حق مسلم آنها را دایر بر

الف. اوضاع و مختصات توده‌های خلق بلوچ

با حاکمیت سیاسی و معیشتی شدن سرحا نه‌های ذاتی نظام

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نیورد بلوچ

تاریخ ۱۶/۹/۷۹

سرما بهداری وابسته و نا توانی رژیم جمهوری اسلامی از حل و پیمان بخشیدن بدانشا هر روز نشا و گرانسی و بیگاری و نفوذ فلاکت بردهوش زمستان سنگینتری - شود. شونده های خلق بلوچ که روح ششمی - طبقاتی و اسالیبان مشادی بردوش کشیده است ، امروزه سز کماکان در سنگنه این شتم قرار داشته و حتی در اغلب مناطق در زیر بار بارهای روابط و مناسبات غلب - مانده و شوالی - عشیری به امراض و رصا تن وقت باری مشغولند . امروزه به جرات میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی در میان توده های شتمیده بلوچ و چه و پایداری ندارد . این واقعیتی است که حتی خود رژیم و جیره خوارانش نیز بدان مترسند . بطوریکه ۲ هفته پیش هنگامیکه "میرطیلم" به همراهی جهت رسیدگی به "انتیبت" منطقه آمده بود ، بدریک معا حبه تلویزیونی مشکل اساسی منطقه را چنین بازگو میکند : "مشکل اساسی در این است که مردم همگاری نیکنند . آری توده های شتمیده خلق بلوچ نه تنها از نظر مذهبی هیچگونه توحشی به رژیم ندارند بلکه مورج تا رفا پستی شدید در میان آنها نشا نگر سفر مسافران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است اما اگر بنا بر واقعی و معتمد توم توده های خلق بلوچ نسبت به رژیم کنونی سیاسی و اقتصادی است آشکارا در کنار آن مناسبات و اقمیست تلخی نیرو وجود دارد و آن سطح نازل آگاهی و عدم وجود جنبشهای وسیع خودبفودی در منطقه است از اینسور و غیره منشا رفا پستی و فشا رگشیدا و فاع صیشتی در مجموع توده ها دجا رنوعی یاس و سرخوردگی صما شند (۱) .

توده های زحمتکش بلوچ کمتر بر این باورند که امکان غلامی از سرخوانین مزدور مولودلیهای مرتجع رژیم خد خلقی برای آنان موجود است . این امر از یک طرف مولود تراپط عقب ماندگی فرهنگی و روانیست اجتنابی حاکم بر منطقه است (که فقدان جنبشهای خود بخودی با اهمیت و مسازات ملی توده ها از اسالیبان گذشته رهی داشت) و از طرف دیگر به دلیل فقدان یک فطرت انقلابی در مقابل ارتجاع می باشد . توده های خلق بلوچ که پس از قیام ارتجاع آگاهی ناپی بر خوردار شدند ، به همان اندازه نیز قدر قدرتی رژیم حاکم و خواصین برایشان فروریخت . ولی عده پیوندها رگانیک کمونیستها با توده ها و ضعف قدرت آنها در منطقه باعث شد که سطح آگاهی توده ها در حد قابل توجهی ارتقاء نیابد . و آنان را همچنان در نوعی ناپاوری نسبت به امکان غلامی از سلطه فاشی و ارتجاع حاکم نگه دارد . با توجه به این واقعیت است که ضعف و عدم ارتسناط ارگانیک و وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست بسا توده های زحمتکش مسئله را در آورده و توحشی نماید . چرا که بنا بر واقعی شدم توده های شتمیده بلوچ از رژیم جمهوری اسلامی با سطح نازل آگاهی و فرهنگ عقب مانده و رتنبده در پایداری مناسبات عشیری - فئودالی عجب گفته است ، بملاوه پویشدگی نسبی انتسناط خوانین از توده های زحمتکش و وجود مسئله ملی تمام توده های خلق بلوچ با رژیم را بطور ملموس بر رتنگتر ارتضا د آنان با خوانین جلوه داده است . و اینها آن زمینها عدی است که دست خوانین و شیرو هسای اپوزیسیون ارتجاعی را بازمیگذارد . تا در موقع مقتضی بر امواج این تارفا پستی سوار شده و توده ها را وجه المامله

خوبش با رژیم حاکم قرار دهند . زمینه ای که با توجه به تفا دما بین رژیم حاکم و خوانین و دیگر شیرو هسای اپوزیسیون ارتجاعی جنگ داخلی بین فطرت انقلاب و ارتجاع را عمدتا از کاتال بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و ارتجاع حاکم) در منطقه خواهد گذراند .

بخوانین و نقش آنان در منطقه

خوانین (۲) در این منطقه آن نیروهای شتمنده که با لقوه و با لقمه پایگاه امپریالیسم و کازار آن (بختیار ، مدنی و...) بشما ر میروند . اینان در زمان رژیم سرسپرد بهلولی گذشته از آنکه به عنوان کازار آن آن دردستگاه نیرو و کراسی (۳) از امکانات ملدی قراوانی برخوردار بودند به شیوه های دیگری نیز امکان کسب ثروت و چپاول دسترچ زحمتکشان بلوچ را داشتند . بطور کلی مجرا های کسب ثروت خوانین در این منطقه را در گذشته میتوان در موارد زیر برده بندی کرد :

الف - واسطگی بین توده ها و ادارات دولتی و رشوه گیری از این طریق .
ب - واسطگی بین قاچاقچیان و ادارات دولتی و کسب رشوه .

ج - انتسناط مستقیم هفتان در اراضی تحت مالکیت خویش (از آن جمله "محمدخان میر لاشاری" مالک "محمد آباد" "عمی خان سبارکی" مالک "عمی آباد" "کریم بخش سمیعی" مالک "گرم بیست") .

د - بجا گیری (نوعی مالیات گیری) - البته میان مردم عادی منحنی بنام بجا گیری مثلا در عوسیا و جوده و دنگه در اینجا منظور نیست) (از توده های زحمتکش بلوچ (۴) .
ه - وسندرت شرکت مستقیم در سرما به گذاری در امراقا (۵) .

خوانین با حفظ روابط عشیری نفوذ و قدرت خود را بر توده ها تمیل میکردند . موقعیت اجتنابی آنان در طایفه ها (۶) و موقعیت سیاسی آنها در منطقه از یک طرف با حفظ و گسترش نفوذشان بر طوایف میگشت . و از طرف دیگر ففلاکتیایا رونق با ندگی ذهنی و ناپا آگاهی توده ها آنان را تحت نفوذ و سلطه خان که از قدرت نیرو و کراسی نظمی برخوردار بودند میداشت . مناسبات توده ها غیرمقیم تداستی ناپذیر طبقاتی با خوانین به دلیل ناپا آگاهی شدم و خلا قدرت نیروهای انقلابی تنها ، منطقه گاه خویش را در منطقه همین خوانین می یافتند و به روابط عشیری اجبارا احترام گذاشته و حتی در مواردی از روی ناپا آگاهی مفرط نسبت به این روابط شصت هفتشان میدادند . این شرایط توده ها را وادار میکرد که نیا زهای اداری خود را از کاتال و با مشورت خوانین انتخاب دهند و نتیجتا در سیستم گنبد به نیرو و کراسی محمرفا تا به خوانین به عنوان پارتنری خود میگردید . سطح ستفاوت رتدو تکامل نیروهای مولده در دونا حبه "سرح" و "مگرا" مناسبات عشیری و شوالی - عشیری را به همراه داشت و رتد نیرو و کراسی بر اساس نیا زهای سرما بهداری وابسته همین گسترش امراقا و ناپا آگاهی توده ها باعث شد که این مناسبات در هم تنگ نشود . سرعت شکستن این مناسبات در اینجا که خوانین و سردارها قدرت نیرو و کراسی که دست و پا میزدند و املاقا در رواج داشت . بسیار رگنده تر بوده و عامل دیربازی آن نیز بشما ر می رفت . برای نمونه میتوان گفت که در سرخده طسنت

و ست رواج ناپا ق و همچنین قدرت نیرو و کراسی سردارها سخت جانی این مناسبات خود را بیشتر خشا . معاده ، اما در "سراوان" و "سراون" بران شهر که فا قی رواج کمتری داشته و وجود آنکه خوانین نیز از قدرت جوری کراسی برخوردار نبودند سرعت دگرگونی مناسبات شوالی - عشیری بیشتر است (۷) خوانین در گذشته (و بالطبع در شرایط فعلی) دارای قدرت نظمی بودند و بعنوان هیبار و همکار رژیم بنا عمل میکردند ، و آنجایی که سرسپرد رژیم بنا نبودند از جانب رژیم تلافی در جهت خلق صلاح آنان صورت نمیگرفت ، اصولا خوانین به خاطر طریقت عشیری - شوالی منطقه نیز جهت حفظ و نفوذ بر طوایف خویش راضی به غلبه صلاح نمی شدند ، چرا که اولاً مناسبات اجتماع می ما بر طوایف به خاطر کسب قدرت و نفوذ بیشتر خا نها قدرت نظمی را ایجاد میکرد و ثانیاً قدرت قدر قدرتی و حفظ مناسبات حقوقی هفتان در چارچوب بقایای تفکسر عشیری - شوالی و دفاع از این حقوق و در مواردی کسب مناسبات بیشتر از رژیم حاکم نیز از مناسبات مستقیم قدرتی بود . خوانین بنا بر طوایف ت فوق و ما استفاده از شرایط مسا عدتیه طامعه در منطقه همیشه مسلح بودند رژیم بنا نیز ضمن اینکه رگانهای نظمی خویش را مستقلا در منطقه داشت تا بدترین راهکسب حاکمیت بر منطقه را کتا رآعدن با آنان میدید . سرسپردگی خوانین به رژیم بنا در رابطه صنه ای بین ارگانهای نظامی سر منطقه و خا نها بوجود می آورد .

اما این امر مانع استفاده خوانین از قسودت نظمی و عشیری خویش جهت کسب مناسباتی بیشتر از رژیم نمیشد .

پس از قیام بیستم ما ۵۷۰ با در هم شکستن بزرگ کراسی رژیم بنا خوانین اعتبار و نفوذ سیاسی فیلسور خود را در دستگاه نیرو و کراسی که تا حد دوزیای از دست دادند . توده های میلیونی خلق که سالها در زیر فشار اختناق و دیکتاتوری فاشیستی محمرفا شا میدنسد بسا ندگی نمی توانستند بنا بر رژیم قبلی را با زهمیدر ارگانهای حکومتی تحمل نمایند . بقدرت غریبه گسا و جدید که سوار بر همین شورما بزا شتی توده ها بودند ، نمی توانستند نسبت به خواستهای توده ها کمالا - اعشنا با خد و بنا چارمی با ست سیاسی اعمال را : با سابق منجمله عده ای از خوانین از قدرت کتا رگذا شته شونده ، اما از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در مددنا بردی سیمت سرما بهداری وابسته بود بلکه با ستامقواد جهت حفظ و پایداری این سیستم نیز می - کوشیدند تا کزیر حفظ بعضی از جیره خواران این سیستم را که برای حاکمیت خویش و پایداری سیستم سرما بهداری وابسته لازم میدیدند نیز دستور کار خود قرار داد . نتیجتا خوانین نیز بعنوان کازار و ان و مدافلسا و این سیستم قمار بودند به زندگی زالو و خویش ادا مه دهند . از این جهت آنها علیرغم آنکه نفوذ و متسناط سیاسی - نیرو و کراسی خود را تا حد دوزیای از دست دادند ولی بطور کلی از زندگی انگلی و نفوذ شتمیده ها محروم نگشتند . رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام با زنجها که خوانین را با روهیمان خویش در موقوف توده ها مناسبات سنا بر ما هیت ارتجاع عیش بخشی از آنها را به عنوان نما بندگان مردم منطقه بر مسمت فشا غشبه و در

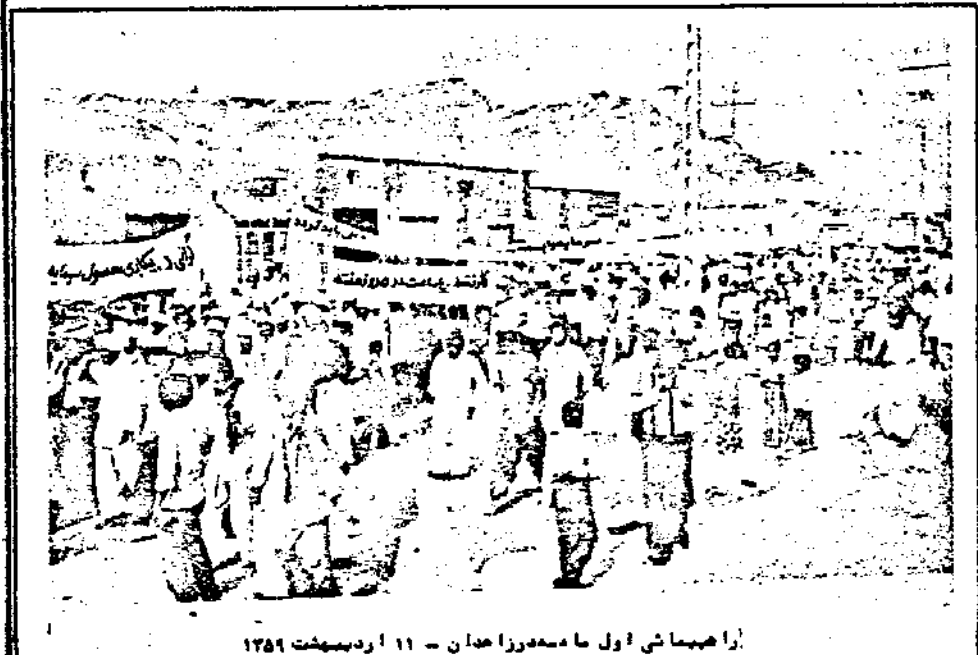
چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

نبرد بلوچ

حرکت میکنند به تیروشی مذهبی همچون مولوی بهاسا و ملاهای مرتجع (حال از هر فرقه‌ای که باشد) برای تحصیل و سرکوب شده‌های خلق بلوچ نیا زمین و بیلازه قدمت نسبی آنان در شمشیر و سیخ توده‌های ناآگاهانگاتور دیگری بود که رژیم نمی توانست آنرا در محاسبات خویش در نظر بگیرد. در هر حال مولویهای مرتجع در رژیم جمهوری اسلامی از احترام برخوردار میشوند و حتی مطابق لیست ادارات اوقاف برای حدود ۱۰۰۰ نفر سراز مولویهای منطقه ما ناه اعتباری معادل سه میلیون تومان مقرر میگردد. با تمام این اوصاف علی‌رغم آنکه امتیازات فوق و حدت و هاهنگی عمل مولویهای مرتجع و خوانین را در بر خورده رژیم بدجا را غنایلال ساخته و از برندگی مولویها در دفاع از منافع خوانین میکاهد (۱۷) ولی به هیچ وجه وحدت منافع آنان را به زیر سوال نمی کشد. چرا که اولاً بیوند نزدیک و تاریخی این مولویها و خوانین به این مادگی گسستی نیست و ثانیاً نیا تفا مولویها با سیاست انحصارگرا نه "حسب زب جمهوری اسلامی" در عمل قدرت مانورشان را معسود

مولویهای مرتجع پس اینکه به مشروعیت بخشیدن حا کسبت خوانین بر توده‌های زحمتکش بلوچ متفقول بودند و از این طریق مورد اعتمادی داشتند در همین حال بسیاری از آنان همچون "مولوی عبدالعزیز" و "مولوی قمرالدین" و... از جیره خواران ساواک نیز بودند بطور کلی گوش این خودمروختگان در حفظ و تثبیت روابط عشیرتی و قدرت خوانین رژیم حاکم بود. پس از قیام متکوهمند قهرمانان خلیفهای ایران از آنجا که مذهب دارای ارج و منزلتی ویژه گردید، مولویهای مرتجع هم اعتقاد بنفیس نویسی را در خود مبادقت و به یاره به نان و نواشی رسیدند. بلافاصله پس از قیام مولویهای مرتجع به کمک امکانات تبلیغاتی خویش از قبیل ستا بر وساجدیه نظیر خوانین میبرد ازند. آنان توده‌ها را از تعرض بر علیه خوانین بر خرد داشته و بیشتر ما نه به دفاع از آنان می پرداختند. بطوریکه وقتی شاه جم دروغین و لفظی از طرف "بشیر بخاریان" (دادستان انقلاب اسلامی استان) و اساتیدار جزیری بر علیه خوانین شروع میشود "حزب اتحاد المسلمین" (۱۵) به

ارگانهای دولتی به آنان مسئولیتها ی مهمی اعطا نمود (۸) رژیم بر استای سیاست نرمش و سازش با خوانین حتی به تسلیم آنان پرداخت و در موازات نیز بنا بر اراده آنها عمل کرد (۹) بهر حال خوانین کسدر گذشته از امکانات مادی فراوانی در دستگاه دولتی برخوردار بودند پس از قیام این امکانات و وسایط مع کلان را تا حدودی از دست دادند. (۱۰) ولی آنچه مسلم است نه تنها شیوه‌های دیگر کسب ثروت خویش را از دست ندادند بلکه علاوه بر آن بجای گیری و راهزنی از شیوه‌های رایج خوانین بعد از قیام میگردید. بسیاری از خوانین مانند "بارکزیها"، "میرلانا ریها"، "سارکها"، "سعدیها"، "سردارزیها" که در رابطه با بقایای روابط سلوک الطوائفی با یکدیگر تضاد هائی دارند و نیز بر سر نما بندگی مجلس و قسودیت منطقه‌ای با یکدیگر در رقابت بودند بعد از قیام به قول محور کب امتیازات از دست رفته گذشته از رژیم نفیسی از یکطرف و مقابله با نیروهای متوقی منطقه از طرف دیگر بهمنزیدیک شده و برای ایجاد زمینه‌های وحدت خویش با یکدیگر کنفرانسی تشکیل میدهند (کنفرانسیهای "فقرتند"، "بیرا شهر"، "سیرجا لاکار"، "سیرجا وه"، "نوبندیان"، "گرم سیت" و...) کنفرانسیهای مزبور در جهت حل اختلافات فی ما بینشان برگزار شده چرا که علی‌رغم وحدت نظر خوانین در زمینه‌های یاد شده آنان دارای اختلاف روش در بر خورده رژیم نیز میباشد. این اختلافات عمدتاً در رابطه با موقعیت مناسبات خوانین (منافع اقتصادی، نفیسی، قدرت مانور هر یک) امکانات بهره گیری از ناآگاهان توده‌ها، امکانات ارتشاط گیری با عارج و... و وضعیت رژیم در ترواحی مختلف منطقه (۱۱) قابل توضیح است. بعنوان نمونه در حالیکه خوانینی چون "امان الله مبارکی"، "محمدخان میرلاناوی" و... روشهای غشونت آمیزی در بر خورده به رژیم اتخاذ میکنند در همان حال تا حدیکه خوانینی چون خوانین "سرد" (ممدتاریگیها) شیوه‌های مسالمت آمیز و مسالحت جو با نه (۱۲) و برخی دیگر هردو شیوه را دنبال میکنند. (۱۳).



اراهیماشی اول ماهه در اعدان - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۶

ج. مولویها و نقش آنان در منطقه (۶)

ما غت و نتیجتاً با عتشدید گرایش آنها به تقویست لبرالها و قرا رگرفتن در کتا و آنان و خوانین میشود پس از قیام حرکت عمومی و کلی مولویهای مرتجع نشان داده است که آنها خوانان تقویت جناح لبرالها در رژیم جمهوری اسلامی بوده و در تضاد با انحصارطلبی حزب جمهوری اسلامی می باشد. انحصارطلبان حزب جمهوری اسلامی با اکتباه اصل نظری امارت بی‌امامت نه تنها در قانون اساسی مذهب رسمی کشور را مذهب شیعه گنجانند بلکه آنکارا در ارگان سراسری خویش یعنی روزنامه جمهوری اسلامی به مقدمات اهل تشن حمل و رندهند به نحوی که بدینال توهینهای بیشمار ی که "خلال الدین فارسی" در رابطه با مذهب تشن روا میدارد، "مولوی مدنی" از طرف جا معروحات اهل تشن منطقه به تهران میروند و ضمن با ربا سی نزد آیت

رهبری مولوی عبدالعزیز به دست و پا افتاده و خواهان اخراج دادستان از استان میشود. به معنی اینکه مسه موقعیت قاچاقچیان و خوانین به خطری می افتد. مولوی عبدالعزیز "روا ته تهران میشود و آیت الله - عینی برای آنها تقاضای سیوا حد، سرگرد خدا داد ریگی که پس از قیام دستگیر میشود بدلیل فشارهای قبیلهای و وساطت مولوی عبدالعزیز آزاد میگردد بطور کلی مولویهای مرتجع در موارد متعدد وحدت منافع خود را با خوانین نشان داده و حفظ میکنند (۱۶) بتدریج پس از قیام وضعیت مولویهای مرتجع برخلاف خوانین نسبتاً تثبیت میگردد. امتیازاتی که در گذشته در دست خوانین بود (از جمله نما بندگی مجلس ویکسری مقامها در سیستم بوروکراسی) به مولویها سپرده میشود. این بدان علت صورت میگردد که با سا رژیم که خود در جهت با زبازی سرمایه داری وابسته

مولویهای مرتجع (۱۲) با خوانین پیوندهای نزدیکی دارند. اینان که در مناسبات فتواید لسی - عشیرتی کار جاقین خا نها بودند، از لحاظ موقعیت خود در روابط فتوایدی - عشیرتی تحت سیطره و نفوذ خوانین عمل میکنند. مولویهای مرتجع در چنین سیستمی توده‌ها را به تمکین و فرما نبرداری از خوانین تحت لوای حکم خدا و بر ممدق "وا طبعوا لله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" فرما میخوانند. آنان با عمال نفوذ ممنوی بر توده‌ها، روحیه انفعال و تسلیم - طلبی را در مقابل ما خوانین می پروراندند. خوانین نیز به کمک همین مولویها به چپاول و غارت توده‌های زحمتکش پرداخته و در این رهگذر مولویهای مرتجع و نوگرفت را از لطف خویش بی نصیب نمی - نادرند. در زمان رژیم سفاک پهلوی مولویهای ذی - خرد و مرتجع چنگی کارگزاران رود خست آن بودند.

(۶) - مولوی ملای اهل تشن میباشد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نبرد بلوچ

جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۵۷

الله خمینی مسئله فوق را عنوان کرده و خواستار محدود شدن دامنه‌ها میگردد.

اما لیبرالها که در ما زمانی سرما به داری و لیستش دور اندیش خراب بوده و گذشته از آن تا کیدیکما ندهای بر مذهب ندادند از همان زمان تصور قانن اساسی با امری شدن تذهب شیعیه مخالفت داشتند. بهر حال با توجه به پیوند تاریخی خوانین و مولویهای مرتجع بلاد شک این امر نیز در گرایش مولویها به جناح لیبرالها نمیتوانست بی تا شید باشد. بطوریکه مولوی عبدالعزیز نیز ملنا مطرح میکنند که در مجلس خبرگان تنها برادر بی مدی (لیبرالها) از حق اهل سنتن دفاع کرد (۱۸) و در راه با انتخا با ت ریاست جمهوری علیرغم عدم موفقیتی رسمی اش در یکی از مساجد مطرح میکنند که "ما به مدنی رای میدهم" (۱۹)

د- سیاست رژیم در برابر ارتجاع معنایی (خوانین و مولویهای مرتجع)

بیت جا که ارتجاعی که مدعی حوزانازی است. سرما به داری و ایستند دارد. بنا بر بردار مقابله نوده. های زحمتکش قرار داده و به نیروهای ارتجاعی منگی میباشد. بر چنین اساسی است که پس از قیام عناصر مزدوری چون چنانها، ظهیرنژادها، غلامی ها و ... ارج و منزلت یافته و مالکیت سرما به داران و ایستند "شروع" کرده میشود.

خوانین که از نظر طبقه ای در مقابل توده های زحمتکش قرار داشته و بواسطه بافت عشیرتی منطقه و همکاری نزدیک با مومنی های مرتجع از امکانانی برخوردارند، از جمله نیروهای ارتجاعی هستند که رژیم خواهان همکاری و هیاری با آنان است اما خوانین بهادگی دست ارتجاع را کم گران می فخرنند. آنان با اتکا به موقعیت خویش (سرگردگی عشیرتی) قدرت نظامی، پشتیبانی مولویهای مرتجع و اپوزیسیون ارتجاعی و ... و سبزیبا نظرداشت فمص رژیم در تثبیت خود، از موضع قدرت پای این اتحادیه مقدس رفته و خواهان امتیازات بیشتری می شوند. بطوریکه در اوایل پس از قیام خوانین ضمن نمایش قدرت خویش علیه رژیم خواهان آزاد شدن بندرچاهها و شده و شاعرهای "خود مختاری" (بخوان خان مختاری) و اخراج پاداران را از یک موضع ارتجاعی مطرح می سازند. اما آنچه مسلم است عدم توانایی رژیم در پاسخ گویی به خواسته های فوق مانع از آن نمی گردد که سیاست خود را مبنی بر علنا اتحاد با خوانین و به سرانجام رساندن مذاکرات دنبال نکند. عملکرد و جناح قدرتمند رژیم در اجرای این سیاست عمومی بخوبی گواها این مدعا است. این دو جناح در همین اینکه از بر خورده به خوانین حذرمی نمودند امتیازاتی در خور تحمل خویش را نیز در مورد خوانین برسمیت شناختند (رجوع کنید به پاورقی ۸) (۲۰).

در کتا بر رسمیت شناختن بخشی از حقوق خوانین و دادن امتیازاتی به آنان واقعیت دیگری نیز قابل توجه است. و آن اینکه بهر حال رژیم تلاحی میگرد (ومی کند) قدرت سیاسی - نظامی خود را در منطقه تثبیت کرده و نهاد های ارتجاعی و ایستند خود را همانند

"جامه سیستان شیدا" جهاد ما زندگی و ... سازمان دهد این تلاحی رژیم به همراه عدم هماهنگی کامل منافع خوانین و مولویهای مرتجع در بعد از قیام و محافظه کاری ذاتی این مولویها و خوانین (متعها خوانین "سرحد" بلاشک محدود شدن قدرت ما نور خوانین را به دنبال خواهد داشت (چرا که خوانین حتی الامکان با جلب نظر مولویهای مرتجع و با حداقل بطرف ما خست آنان قادر به اجرای برنامه های خویشند) نتیجه آنکه برآیند مجموعه فاکتورهای فوق قدرت ما نور رژیم را در منطقه نسبت به قبل افزایش میدهد.

ه- اپوزیسیون ارتجاعی و چشم انداز موقعیت آن در منطقه

هما نظری که در قسمت های قبل توضیح دادیم عوامل متعددی در منطقه به نفع اپوزیسیون ارتجاعی (بختار اویسی و ... و بخصوص مدنی) عمل کرده و چشم انداز و موقعیت مناسبی را برای آنها فراهم می نماید. این عوامل عبارتند از:

الف: موج ناراضی عمده توده ها و شغرت آنها از رژیم حاکم، بطوریکه این رژیم را به مراتب بدتر از رژیم شاهانند و در مقابل فقر و سیه روزی فعلی شان از این حکومت کینه و نفرت بیشتری دارند تا حکومت و ایستند.

ب- عقب ماندگی فرهنگی و پاشین بودن سطح آگاهی توده ها و اینکه نقیض چندان در مساره علیه رژیم شاهانند خود با عت میشود که نقیض و اقمسی خوانین و مولویهای مرتجع و نقیض لیبرالیسم و مزدورانی چون بختار و مدنی را در غارت و انتشار خود و سایر بخشها درک کرده و تحت تاثیر تبلیغات زهر آگین رادیوهای امپریالیستی قرار گیرند. این مسئله بخصوص زمانی حاسم میشود که توده ها در نتیجه روزمره زندگی خود با عت استقامت رگانه و بد خلقی رژیم حاکم را با گوشت و پوست خویش لمس می کنند.

ج - زده بیند ها و تو کرم فتنی های مولویهای ذی نفوذ مرتجع با رژیم شاهان و حلقه یگوشی آنهاست. مولویهای مرتجع عمدتاً به مثابه مزدوران و چا سومان رژیم شاه در مقام با و اگی، مداح شاه و ... به تصدیق توده ها مشغول بودند و اکنون رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ خویش در منطقه مولویها را با دادن مستعری و ... نقطه اتکا "خویش قرار داده است. به این جهت سوابق مولویهای مرتجع و چا کرم فتنی آنها در گذشته و حال نمیتوانند با لقمه غطری برای رژیم شاهان به خصوص که آنها را طلبی مذهبی حزب جمهوری اسلامی و ... نیز مولویها را به خوانین و لیبرالها نزدیکتر میکنند. اگر به این مسائل پیوند دهیم و متذکر مشترک مولویها را با خوانین نیز بنویسیم از اتم اذوقت روشنتر میشود که مولویها نیز با لقمه سر پل نفوذی اپوزیسیون ارتجاعی به حساب می آیند. برای نمونه به حمایت مولویها از مدنی در انتخابات ریاست جمهوری توجه شود.

د - ناراضی شدید خوانین و سرداران مزدور از رژیم حاکم و گرایش آنها به دیگر نیروهای ارتجاعی مخالف رژیم. خوانین که از قدرت و نفوذ گذشته خود بر توده ها بر خود ارنه خستند و از امتیازات مهم گذشته خود محروم گشته اند

و با ادگی سرما زگاری با رژیم شاهان دارند مهمترین سرمایه با لقمه و با لقمه برای نفوذ اپوزیسیون ارتجاعی در منطقه بشمار می آید. لطیفه تندی که به مولویها آنان در منطقه وارد شده و عدم توانایی رژیم در تأمین منافع آنها زمینه مبنی شایب خوانین را به امپریالیستها، مزدوران آنها فراهم میکند. علاوه بر این موقعیت انگلی و بورژواژیک خا شها و روابط امپریالیستی آنها با رژیم های ارتجاعی منطقه و ... باعث میشود که آنها فاقد انگیزه های تا سونا لیستی گشته و به راحتی به مزدوری نیروهای ارتجاعی مخالف بدهند.

ه - در این میان موقعیت مدنی از ویژگیها شم نیز برخوردار است و ارتباط و پیوند های وی با خوانین کرمان و سیوم بلوچستان و اینکه خوانین بخوبی با عت شی ارتجاعی وی ما نوس بوده و از نظرداشت منافع شان توسط وی مطمئن میباشد. اتفاقاً هم مولویها مرتجع ما مدنی و اطمینانی که به وی در رابطه با منافع شان دارند ... از جمله عواملی هستند که اسکاسیاد مناسبی برای نفوذ مدنی در منطقه بشمار می آید. اما لطیفه عوامل فوق این نتیجه بدست میاید که منطقه بلوچستان در مجموع یکی از مناطقی است که امپریالیستها و شورگرا نشان روی آن حساب با میکنند و خود این سکن نیز به عنوان مانعی بر سر راه سازش رژیم با خوانین بشمار آید و احتمال درگیری خوانین را با رژیم بسیار بالا میبرد. در گذشته سگرات اخبار رضا شاهی خوانین با سلطان قاسمی رژیم مدنی عراقی مدنی و ... در منطقه منتشر کرده اند. بهمین کتون نیز خبرها پس از رضا ط گیری خوانین با بختار رسید.

و- موقعیت کنونی دو قطب ارتجاع، روند و چشم انداز آتی منطقه

بر اساس آنچه در فوق بدان اشاره کردیم، دستا گروک رژیم اکنون نسبت به گذشته گسترده تر و قوت گشته است. خوانین و مولویهای مرتجع یکجا رچی هماهنگی سابق خود را تا حدودی از دست داده اند. و عین حال خوانین بیش از پیش به اپوزیسیون ارتجاعی نزدیکتر شده اند. گذشته از همه اینها، در حدود افسر و نیروهای انقلابی و سوزیه کمونیستها و رشد آگاهی نسبت توده های زحمتکش چیزیست که بیش از گذشته هر دو قطب ارتجاع را تهدید میکند. در چنین شرایطی حزب جمهور اسلامی که از مگانات عوام فریبی بیشتری نسبت به حریف خود در حکومت (لیبرالها) برخوردار میباشد ابتدا ر عمل را در دست گرفته و با یاری طلبیدن شراب نسبتاً مساعد (همچون پیژاری نسبی توده ها از خوانین و ...) تلاش خویش را با ما نورهای خاص خود برپا میداند. عمل با خوانین و با منفرد کردن آنان آغاز کرده است. شاعر برگ بران - همان خا ش که تا دیروز وجود خارج نداشت - با هدف مجاب سازی و ایجاد زمینه سازش با ارتجاع مدنی و با کتا زدن آنان علم میشود. خوا پروان دیروزی، گمانی که تا دیروز به سطح گسرد، خا شها علیه توده ها برده خندند، اکنون فدخان شده و شاعر خدعانی میدهند. ولی ما بیت سیلت امپریالیست جمهوری

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

نبرد بلوچ

بعضی از خوانین و از جمله خوانین طایفه ریگی گرفته شده و پس آن مدتی به خانها اطمینان میدهند که ناراحت نباشند و خود را آماده کنند که عمر رژیم جمهوری اسلامی بزودی بسرخواهد آمد و...

نیروهای انقلابی! وزمندگان کمونیست!

روند جنگ داخلی در این منطقه صحت وجود مسئله ملی، شکل ویژه ملی - طبقاتی خویش را دارا است. علاوه بر این و بویژه جنب حکم میکند که سرخ با سی جنگ داخلی و روستا روشی مستقیم قطب انقلاب و ارتجاع در این منطقه به حساب آید. تریب به یقین از جنگ بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و رژیم حاکم) گذر کند. در این میان دامنه وظایف نیروهای انقلابی و فسادار سرختر زحمتکاران هر چه گسترده تر میشود. سیما بست که در ضمن تبلیغ و ترویج خویش زمینه های وقوع این درگیری را گشاده و نموده ها را نسبت بدان آگاه ساخت. سیما بست که سیما بست دموکراتیسم پرولتاریا را به اشکال مختلف به میان نموده ها برده و آنان را از در غلطیدن بدام مفریبه های رژیم حاکم و ارتجاع محلی بر خردا شد. اصولاً جنگ بین مرتجعین سیما بست فساد فاع جناح های مختلف ارتجاع بوده و نموده های خلق بلوچ هیچگونه منافع ملی در این جنگ تحمیلی ندارند. از اینرو وظیفه خطیر نیروهای انقلابی و کمونیست ضمن آگاه سازی نموده ها، بهره برداری مستقیم از این درگیری برای تحسینی به نموده ها و آماده نمودن نموده ها برای رویارویی با ارتجاع (اعم از ارتجاع محلی و حاکم) و در نتیجه تبدیل به جنگی ملی طبقاتی است که در یک طرف آن نموده های متحد و در مقابل آن ستم خدایان و ستمگران است. از اینرو وظیفه خطیر نیروهای انقلابی و کمونیست در این ستم خدایان و ستمگران است. از اینرو وظیفه خطیر نیروهای انقلابی و کمونیست در این ستم خدایان و ستمگران است. از اینرو وظیفه خطیر نیروهای انقلابی و کمونیست در این ستم خدایان و ستمگران است.

انتقاد دیگری است که مانع از آرایش مطلوب در قوسب ارتجاع دورتر است فعلی خواهد شد.

۷ - نیروهای انقلابی و کمونیست علیه رژیم حاکم خود در منطقه هنوز آنچنان قوی نیستند که آوا برای نموده های ناراضی آلتی را ترویج با شد و شانها ارتجاع - های مختلف و وقت ارتجاع بهره گیری لازم را بسازند. متأسفانه سطح نازل آگاه می نموده ها و پیوسته های مشرتی همراه ناراضی شدیدا آنها از رژیم حاکم زمینه سازی را برای بهره برداری نیروهای اپوزیسیون ارتجاعی فراهم آورده است.

۸ - اینکه به حال رژیم جمهوری اسلامی در چهارب چوب سیما بستهای یوزو و اش خویش خوانان آن است تا هر چه سریعتر اکتیو خود را در منطقه گسترش داده و تثبیت نماید.

۹ - با توجه به موارد فوق هما نظور که گفتیم جنگ بین دو قطب ارتجاع در منطقه محتمل ترین شق ممکن می باشد. گذشته از این شواهدی نیز در دست است که سیما بست بدین امر گواهی میدهد. از آن جمله اند جلساتی که اخیراً مولویهای مرتجع و خوانین در "کورن سینگل" ویا "شنگوه" قانی داشته اند. با صحبت های مولوی "یار محمد" در محلی که میگوید: "ما باید در مقابل تهاجم آنها رطمیهای حکومت دست به عمل بزنیم" آنها ما را ساکت دیده اند و هر کار که بخوانند میکنند. دیگر اعتراضی هم برای ما قائل نیستند. ما با بدرا همیشه اشاعتی را از این مذهب و مسلحانه جلوی آنها بایستیم تا بدانند که هنوز زنده ایم. با بیستی قدرت خود را نشان دهیم. ... "جالبترین آنکه اخیراً مولوی عبدالملک "فرزند مولوی عبدالعزیز" رهبر "زمان اسلامی محمدی اهل سنت" در نمازی غیر مستقیم با برخی نیروهای انقلابی منطقه، خوانان همکاری و "انحاد عمل" علیه رژیم جمهوری اسلامی میگردند!! و با تاسی که در دو دو ما همیشه از طرف مدنی بی

اسلامی، علیه رژیم حاکم ما بهیوی هوا مغربها نه اش چیزی نیست جز جلب هر چه بیشتر خوانین سفاک فک کار و منزوی ساختن و در موقع تدافعی قرار دادن خوانین مرتجع - ترو در نهانیت ما از با بخش هر چه وسیعتر آنها و روسا - روسی با بخش دیگر.

از طرف دیگر اپوزیسیون ارتجاعی اعم از سیما بست اختیار را، و بیسی... با تیسما ریدنی که در وابط حسنه ای با خوانین منطقه دارد. با استفاده از تفرقه نموده ها از رژیم و ناراضی خانها از سیما بستهای هیات حاکمه به تکیه بر افتاد و از موقعیت خوانین در منطقه برای فتنه روار کردن رژیم تلاش مینمایند.

مجموعه مسائل فوق نشان میدهد که ادا مه جنبین سیما بستهای به احتمال خیلی زیاد درگیری خشونت آمیز آید. در این دو قطب ارتجاع در پی داشته و جنگ بین مرتجعین نا مدنی در منطقه تعلقه و روحا دهند. به کسان ما عوامل زیر از جمله مهمترین عوامل هستند که چنین چشم اندازی را در روند آتی منطقه ترسیم می نماید. واضح است که این عوامل در واقع همان مشکلات و موانع راه سازش دو قطب ارتجاع (ارتجاع حاکم و ارتجاع محلی) نیز میباشند.

۱ - ناراضی و تفرقه نموده ها از رژیم جمهوری اسلامی و تشویشاتن نسبت به آن باعث میشود که رژیم در تلاشی برای گسترش و تثبیت موقعیت خویش از سیما بست نموده ای برخوردار نباشد و در نتیجه نتواند با خوانین از سیما بست بر تروارد و بندوبست کرده و آنها را ادا ربه پذیرش شرایط دلخواه رژیم ارتجاعی حاکم کند. در واقع این امر در کنار آگاهی نموده های خلق بلوچ، برگ برنده ای در دست خوانین مرتجع میباشند تا به سادگی تن به آرتش با رژیم دهند.

۲ - مولویهای مرتجع و خوانین (ارتجاع محلی) هنوز نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بی اعتمادند. آنان حتی در صورت تثبیت موقعیت رژیم در منطقه نمیتوانند مطمئن باشند که موقعیتشان حتی در همین حد نیز بزییر سؤال نخواهد رفت. خوانین به تفنگهایشان اعتماد بیشتری دارند تا به رژیم.

۳ - قول و قرارهای حمایت مادی و نظامی کشور - های ارتجاعی و سایر اسیبستی، علاوه بر وجود دیگر نیرو - های اپوزیسیون ارتجاعی (همانند مدنیها، بختیار - ها و...) و تبلیغات وسیع رادیوئی آنان نقطه انتقاد و بیستوانه ای برای خوانین محسوب میشود که به سادگی تن به تکیه های "حزب جمهوری اسلامی" ندهند و امتیازات بیشتری را طلب کنند.

۴ - به حال خوانین امتیازات چشمگیری را از دست داده اند و به این سادگی رژیم نیز قادر نخواهد شد این امتیازات را به آنان بازگرداند. مولویهای مرتجع نیز چندان دلخوشی از انحنا رطمیهای "حزب" نداشته و هر چه جناح "حزب" در هیئت حاکمه قدرتمندتر میشود و در نمازی تاریکتری برای خود می بیند.

۵ - درگیریهای جناحی مختلف هیئت حاکمه، نا شوائی رژیم در تثبیت خود و همچنین ناراضیهای فرا بنده نموده های خلق بلوچ، خوانین را به بنددای روستنرا میدوا و سیما زد.

۶ - داشتن قدرت بسیج محدود نموده های نا آگاه و بیسلسله مولویهای مرتجع و بخشی از خوانین آن نقطه



وضعیت آموزش دانش آموزان بلوچستان - اطراف ایرانشهر -

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

نبرد بلوچ

شبهه شماره ۲۹
تاریخ ۵۹/۵/۱۶

قرار گیرند بیل با بدلوله های تفنگ خویش را در این جنگ بین دو قطب ارتجاع بطرف هردو قطب بگردانند. در شرایط کنونی مباحث هر چه گسترده تر به افشاگری جاندار سیاسی از مزدوران امپریالیسم (مختار، اویسی مدنی ...) خوانین، مولوهای مرتجع و رژیم جمهوری اسلامی پرداخت.

با یاد اهداف تبلیغاتی مزدوران امپریالیسم و رادیکالهای امپریالیستی و ارتجاعی آنها را بر مبنای ساخت، با بدلوله ها تا سونالیستی و عوام مغربیه نموده خوانین را در هم ریزد و به یک کلام مباحث ضمن کنار بیکدیگر در میان زمینکنان بلوچ و آیداهمازی آنها برای مقابله با نیروهای ارتجاعی، نگاه موقوفه - ها و عملکردهای ارتجاع را در منطقه افشا و خنثی کرده و ضمن پیوند جنبش توده های خلق بلوچ با سایر خلقها و جنبش توده های سراسری جامعه موجب تپه پیروزی توده های ستمکش و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و ملیتهای (کرد، بلوچ، ترکمن ...) خود مختار را فراهم نمائیم.

توطئه های نوم ارتجاع را درهم شکنیم! مرگ بوا امپریالیسم و ارتجاع داخلی! برقرار باد خود مختاری خلقها در جمهوری دمکراتیک خلق ایران! سازمان بیکار در راه آزادی خلقها را گزیند تشکیلات بلوچستان (از اتحاد زمینکنان بلوچستان) ۵۹/۵/۱۶

مؤخره

طی مدت زمانی که این نوشته زیرجا بود و از جانب اول خارج شد، اخبار موقتی شما رسیده که نه تنها بیستی ما را از بسنی بر روندا و ج گیرند در گبری های بین دو قطب ارتجاع (ارتجاع محلی و ارتجاع حاکم) در منطقه مالاتا شدید نمود بلکه سرعت و شدت این روند را نیز مشخص تر نشان میداد.

ما در زیر روش این اخبار را می آوریم تا هر چه بیشتر شده ها را با ایضا در حرکت و روندا و ج گیرند، تمام مباحث بین دو قطب ارتجاع آشنا کنیم:

- ۱ - میرعبدی خان سردار زهی و حامی کریم بخش سعیدی هم اکنون در عمان بسر می برند.
- ۲ - سیر مولاد سردار زهی در منطقه حضورند و ایدو ظا هرا به پاکستان رفته (و شایع است که تا میرد به آمریکا با عراقی منافرت نموده است). طبق اخبار رسیده فرار است پس از برگشت وی به منطقه در گریهها شسی صورت گیرد.
- ۳ - بعضی از خوانین که در منطقه هستند، منتقل و انتقالاتی را صورت می دهند.
- ۴ - عباسی خان مبارکی محل خود را ترک کرده و به کوه رفته است.
- ۵ - محمدخان همچنان در کوه بسر می برد.
- ۶ - ...

درست همزمان با رسیدن این اخبار بود که خوانین در منطقه جنوبی بلوچستان (محدوده ایران شهر) یک با سکا هرا خلق سلاح کرده و ۸ نفر از اندام وورشس با سکا هرا و جوانان را کشتند. این عمل نیز زمینه ثابت کرد که خوانین چه خواهی برای بلوچستان دیده اند و

وزیم تا به بود و در واقعه داد شاه "بمقام سرگرمی رسید.

- "۳ مان ال در یکی" (نماینده مجلس در زمان رژیم شاه بکارمند محنت نخت یکی از شعار تهران)

- "میرمیرگی" "خواهر خدایا در یکی" (رئیس سازمان زنان استان، با ساواک در رابطه نزدیک بوده و بارها به "پاکستان برای ما عورتهاش از طرف ساواک رفته و رابطه نزدیک با استانداران و مقامات اداری منطقه داشت)

- "تنگ معدن بخش" یکی از سران طایفه "اسما عیال زهی" (تبعیض) و با سوزنا واک بیرون سرزی بود.

- "ابراهیم خان مبارکی" معاون استانداری در زمان شاه.

- "بهمن خان مبارکی" نماینده مجلس در زمان شاه.

- "کریم بخش سعیدی" که ۲ دوره نماینده مجلس بود.

- "عباسی خان مبارکی" که چند دوره نماینده مجلس بود.

- "محمدخان میرلثاری" که یک دوره نماینده مجلس بود.

(۴) - توضیح اینکه خود ما بعد از قیام بحار گبری کار همیشگی خوانین بوده است.

در بهماه ۵۸ "کریم خان میرلثاری" نماینده مبارز رفته و از مردم "بحاری" میگوید.

"بهرام خان شیرازی" قبل از درگیری عبدها زاهدان در فوج مبارز گبری مشغول بوده است.

خانهای لاثار "در منطقه لاثار" تحت عنوان اینکه میخواهند همگوارا بشهید کنیم تا چند روز به خواست های ما توجه نکرد، بنوا نشید و مقابلش مقاومت کنیم. از مردم مالیات میگیرند و ...

(۵) - خوانین مکران (بلوچستان جنوبی) عمدتاً در ابرقاجا ق بر ما به گذاری نمیکنند ما سر داد و حسابی "سرحد" خود مستقیماً بر ما به گذاری میکنند بطوریکه آنها در نواحی تحت نفوذ خویش از عمده ترین قاچاقچی - ان بشمار میروند.

(۶) - معمولاً خانها و سردارها در طوایف نقش بزرگ و رئیس طایفه را دارند، به همین جهت چنین موقعیتهای برای آنان بر ارا اعمالی طلبه بر توده های طوایف را هموار کرده و قدرت و سلطه آنان را بر توده ها بر مسیبت میدهد.

(۷) - بعنوان نمونه برای نشان دادن نفوذ خوانین "سرحد" بر طوایفشان میتوان با این مسئله آشنا گردید که خانهای "سرحد" با توصیه "مولوی عبدالنور" عمده ای از توده های ناگام بلوچ را (بعد از قیام) سزای جنگ به "افغانستان" گسیل داشته اند.

(۸) - در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۱ "جهان ساز زندگی" در استان "قاروق اعظم" "قاش" با چندین از مزدوران رژیم شاه و از جمله "کریمی" تشکیل جلسه میدهند. در این جلسه "کریمی" پیشنهاد میکند که لپستی از معلمین مبارز منطقه تهیه شوند تا آنان را بزدند. توضیح اینکه "کریمی" "دسپروزش" و در ارتباط نزدیک با "شمس" آبا دی "تکنجه گرا واک" بوده است.

چند تنه ها ش در دل سی پروازند.

خوبست به موع گیری سیا بها ساران در همین اشته عزیز توجه کنیم.

سیا بها ساران ایران شهر گناه های مبارزه با خوانین را همیشه بر زبان دارد در همین زمینستان اعلامیه ای شدیدالحن صادر کرده و کمونیستها را با آنها ملامت واهی "امریکائی"، "روسی" و ... بیاد فحش و نازی می گردوان آنها می خواهد که در منا طبره ای تلویزیونی با سیا ه شرکت کنند! اگر این حرکت سیا ه را در کنار حرکت چند ما پیش آن که ترور و کشته شدن سر بود در کنار توطئه های فعلیست مدنی بر ترور و بعضی دیگر از انقلابیون منطقه قرار دهیم و نیز توجه کنیم که همین چندی قبل آنها با وساطت شیخ توری (نماینده خصی) و مولوی قمرالدینی "خدایا" میرلثاری را که بدلیل خلق صلاح یک با سکا هرا دستگیر شده بود، آزاد می نمایند (و پس از دستگیری مجدد بدلیل افشاگری "تخاد زمینکنان"، مجدداً نیزوی را آزاد می کنند) روشن میشود که ارتجاع حاکم که سیا بها ساران یکی از ابزارهای سرکوب است تا چه حد در عمل ضد ارتجاع محلی است. این امر همین نشان میدهد که تا کتیک کمونیستها مدنی بر ما رزما هردو قطب ارتجاع چقدر اصولی و انقلابی است.

یاورقیها

(۱) - واقع است که در منطقه جنبشهای خودبم بودی بصورتی نسبتاً ضعیف و در سطحی پراکنده موجودند. از آنجه مسلم است هنوز جنبشهای خودبم خودی در سطحی متناسب با زمینه تاریخی شده و اوضاع فکلتیستار میباشند توده ها نفع نگرفته است. بر اکتندگی و سز و بافت اقتصادی - اجتماعی منطقه و همچنین زمینه های تاریخی متفاوت رشد و تکامل نیروهای مولده در نواحی مختلف به همراه عدم امکان مناسبات عشیرتی - فئودالی در این نواحی، بنا گذر بر توده های زمینکنان خلق بلوچ را در شرایط متفاوت وضعیت ذهنی و اوضاع معیشتی قرار میدهد. از اینرو بر واضح است که این خود - ویژگی در اشکال مبارزات خودبم خودی توده ها و همچنین اشکال مبارزه و تاکتیک نیروهای انقلابی و کمونیست تا شیرخامی خود را می گذارد. ما بررسی دلایل عمده زیربنایی و روشنی این گونه وضعیت توده های زمینکنان منطقه را به زمانی دیگر موکول کرده و در اینجا تنها اشاره ای کافی بود.

(۲) - لازم توضیح است که بین سردار و خان تلساوت وجود دارد، بطوریکه مناطقی تحت نفوذ سردارها کما ملای بافت عشیرتی دارد و به همین دلیل آنان از تفکیک توده ای بیشتری نیز برخوردارند. مثلاً در ناحیه "سرحد" (بلوچستان شمالی) میتوانیم از طایفه های "اسما عیال زهی"، "بار محمد زهی" و "گمشاد زهی" نام ببریم ولی نواحی تحت نفوذ خوانین دارای بافت فئودالی - عشیرتی است، بطوریکه میتوان گفت که سردارها تنها از قدرت حقوقی عشیرتی برخوردارند اما خوانین علاوه بر این قدرت دارای منافع حقوقی فئودالی نیز میباشند.

(۳) - "خدایا در یکی" (یک دوره نماینده مجلس در زمان

نان، مسکن، آزادی

فیرد بلوچ

امکانات و موقعیت‌های چشمگیر گذشته، در تداوم غرور و ستواتند بر امتا دونفونخوا نین بر طواپشتان لطمه بزند، از همین رو است که آنان نیتوانند بر امتا حتی به آن تن دهند چرا که سرکردگی مشروطی خوانینی ارتباط نزدیک با اعتبار و قدرت بورژوازی تیکتان دارد (۱۱) - وضع رژیم جمهوری اسلامی در نواحی مختلف منطقه از لحاظ موقعیت و قدرت ملیش یکسان نیست، چونگی موقعیت رژیم در همین حال که بر حرکت خوانین تا شهر میگذارد، این امکان را نیز بوجود می آورد تا رژیم سترا و قدرت نهادهای وابسته به خود چون سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و... را با مملکت‌ها شسی چون تشکیل کلاسهای پدئوسوزیک، اردوهای تابستانی ایجا دهققان شدیدی و تبلیغات بی شمار علیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی، اجرای طرح‌های در زمینه - های اقتصادی (بسیار محدود)، تا حدودی حفظ نموده و گسترش دهد، رژیم در وضعیت کنونی توانسته است متعاضات جوشی و در مواردی حکم‌سازی خوانین سرحد کمال استفاده را در جهت اهداف ضد - انقلابی خود بسازد، واضح است که این امر نمی تواند برورند و روبرو شد آگاهی توده‌های زحمتکش و فعالیت نیروهای انقلابی تا شیرنداشته باشد.

(۱۲) - تفاهد جناح حزب جمهوری اسلامی با جناح لیبرالها و کوشش در جهت طرد آنها از قدرت (مجلس، وزارت و...) باعث شده که آنها حتی نماینده‌های را که از وابستگی خوانین طایفه ریگی بود، نیز از مجلس اخراج کنند و در نتیجه آنها را نیز مطبوف اپوزیسیون ارتجاعی و به مقابله با خود میکتانند.

(۱۳) - مثلا در حالیکه بهمن خان با رکزه‌ی رئیس طایفه ساگزهی در حال معاضات با رژیم و رندوستیهای سیاسی و اداری با آن است، اما آن الهاماران که از اقوام نزدیک وی میباشند قبضل و غارت و راهزنی و درگیری مسلحانه با عوامل رژیم مشغول است، و بسا خوانینی چون "گرم‌بخت سمدی"، "بهرام خان شیرانی"

عمر مولا داد سردار رژی و... (۱۴) - لازم است آوری است که ما مولوبها را یک کسبل همگون ندانستند و متقدیم که آنها منافع مختلف طبقاتی را همانند روجا نین شمه مذهب نما نیکسی میکنند، از اینرو ستورا از مولوبهای مرتجع همان مولوبهای ذینفوذ میباشد که در گذشته و حال در خدمت رژیم‌ها کم‌وقت و با دیگر ارتجاعیون قرار داشته‌اند، چه بسا مولوبهای در منطقه هستند که طرفدار و کارگزار خوانین و نظامی‌ها به اداری وابسته نبوده و خود زحمت کش و ستم‌خیزند، با اینحال واقعیات نشان داده‌اند که در این منطقه هیچ جریان‌هایی که حکایت از مولوبهای مبارز داشته باشد، وجود ندارد، و ما همان - طور که در گذشته در "نیرد بلوچ" آوردیم شمار "درودسیر" مولوبهای مبارز را در این مقطع شعاری انحرافی و ریزیزونیستی میدانیم.

(۱۵) - این حزب در زمان "شرفیادامی" و با نام "احلح المسلمین" جهت مقابله با مبارزات توده‌های انقلابی تشکیل گردید و سپس نام آن را داد المسلمین بخود گرفت.

(۱۶) - خدمت مولوبهای مرتجع به خوانین منطقه فقط به موازات شده خلاصه نمیگردد، موازات بسیار دیگری نیز وجود دارد که گوشه‌ای دیگر از آنان چنین است:

"مولوی عبدالعزیز" طی نامه‌ای از هتل آریا - شراپتون به رئیس جمهور مینویسد ضمن آن زخمی شدن و دستگیری چندتن از خوانین و قاچاقچیان جیرفت را محکوم میکند.

این امر نیز که شاه "حزب اتحاد المسلمین" در سراوان با شرکت "علم‌خان ابدی" (سارگزه‌ی) و سایر خوانین تشکیل گردیده حکایت از روابط نزدیک خوانین و مولوبیای مرتجع دارد.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۶ "خدا داد میرلثاری" خواهر - زاده "محمدخان" و عوامل مزدور و سب در ت بدخلع سلاح

تیک محمد شهبخت "یا بیوربون موزی ساواک پس از تقیام عضو کمیته‌ها یا پدر زاهدان بود، در جریان درگیری "عیدگاه" (زاهدان) "بزدی" این حامی و هوادار شناخته شده، میرزا لیم‌آمریکسا با خوانین و مولوبیهای مرتجع تشکیل جلسه میدهند تا در مورد مواعیت "زاهدان" تصمیم گیری کنند ضمنا در با دگان "خاش" نیز "بزدی" با سرکرد خدا داد ریگی و عده‌ای دیگر از وابستگان رژیم شاهنایداد رودر مسورد مسائل منطقه مذاکره میکنند.

در تاریخ ۵۸/۸/۲۹ مقارن با درگیری "عیدگاه" اعضای شورای شهر "خاش" عبارت بودند از "عبدلرحمن ریگی" "رشید انجمن شهر فرزند" "عبدوغان" "فقیر محمد ریگی" "رشید نماون" و موروستاها "حاج سهراب خان" "هاشمی" (رئیس خدمات آموزش و پرورش، نماینده و بخندار "نوک آماد")، "حاج جواغ ریگی"، "مولوی - هاشم"، "احمد ریگی".

در تاریخ ۵۸/۹/۱۸ در "ایران شهر" جلسه‌ای با شرکت "مولوی فرهادی" "ماور سابق ساواک" و "بهمن خان" با رکزه‌ی "احلح مزیم" "هوران" و جماعتی دیگر در روستا و شاه و آتش فروز و غارتگر مغازه‌های ایران شهر در تاریخ ۲۸ بهمن ۵۷) و عده‌ای دیگر از زمان مرتجع تشکیل سیکردند تا برای شهر فرمانداران انتخاب کنند.

در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ جلسه‌ای با شرکت "هوشنگ خان ریگی" "سزاد" "سرکرد خدا داد ریگی" و "اوشیروان ریگی"، (فرماندار آنسوق و حال خاش) و شهردار تشکیل میگردد.

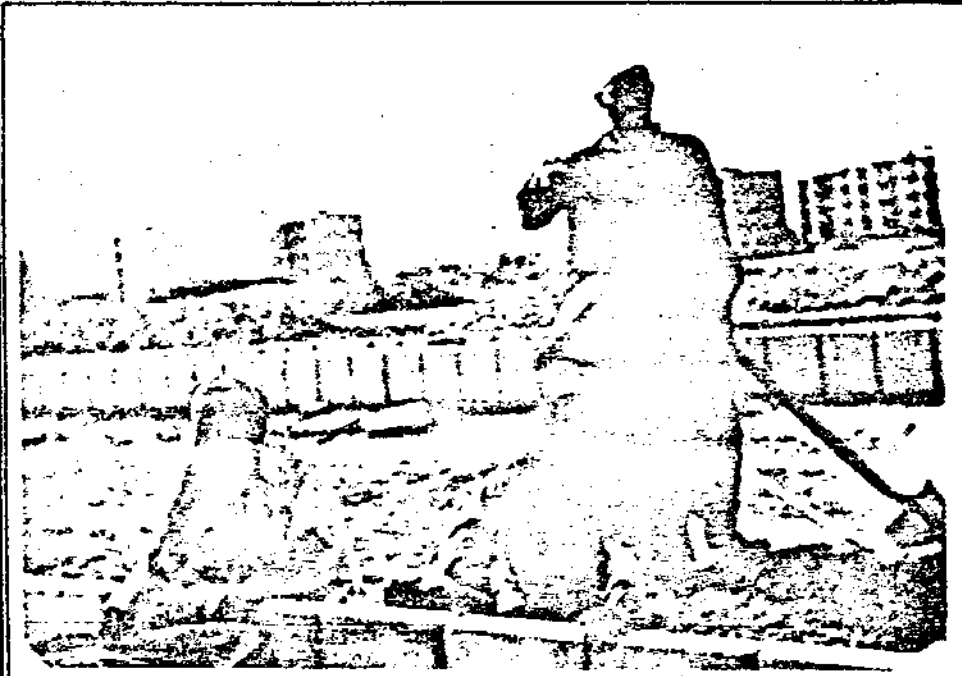
بهمن خان ساگزهی در تاریخ ۵۸/۹/۱۹ در جلسه‌ای با شرکت عده‌ای از مرتجعین دیگر - سزده دستگیری چند خوان انقلابی را به آنان میدهد.

در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ در جریان حمله ارتجاع بسه دانتگاه، "قاچاقچیان" معروفی چون "حاج علاء احمد" و "حاجی داد خدا شهبخت" در کنار پاسداران قسرا ر داشتند.

با توجه به حمایت رژیم از نیروهای ارتجاعی در بقیه مناطق ایران چون (کرمان، ترکمن صحرا، و...) این واقعیت روشن میگردد که این سیاست رژیم تنها مختص بلوچستان نبوده بلکه سیاست کلی و عمومی رژیم چنین است، برای ملموس تر شدن این سیاست رژیم در منطقه ما نمونه‌ای از عملکرد رژیم در سیستان را نیز تا حد مثال میآوریم:

در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ پس از مراجعت محمدرفا خان - بردلی "بزد" "قمینی" جلسه‌ای در منزل "حاج آقا - بزرگ طباطبائی" تشکیل میگردد، در این جلسه "سزاد" "میرزا لیم خان" "محمد حسین خان ناروشی"، "غلامحیدر ناروشی"، "حبیب الهه سارانی" و "علیقان سارانی" شرکت داشتند، تا میردگان پس از این نشست معادله اراضی (بوسیله زحمتکشان) را محکوم مینمایند و به دنبال آن در تاریخ ۵۸/۹/۲۳ "سید محمد تقی - طباطبائی" (نماینده ما در زابل و نماینده قطعی مجلس شورای اسلامی) را همپای نیروهای متروقی و مردم علیه خوانین را محکوم میکند.

(۹) - پس از واقعه "عیدگاه" دکتر بهرامی "بتوصیه و تا شد خوانین به استناداری سیستان منسوب میگردد (۱۰) - این امر یعنی بخورداد و نبودن از بسفنی



فکن، لوگ، آزاتی

نبرد بلوچ

شماره ۳۹
تاریخ ۵۹/۶/۱۶

اعتیادات گذشته خوانین را بطرداختن داده اند و از هیئت و نیز سازشکاری و دساری سنتی با رژیم از خود نشان میدهد.

رضی شما با تکرار همین امری است بهر حال میتوان گفت "حزب" موفقیتهاش هنوز در این زمینه کسب کرده است چرا که تا حدی مولویها ی مرتجع حتی بعضی از

یک با سگه و زاندا رمی کرده بود. اما مولوی قمرالدین و "شیخ نوری" میگویند "محمدخان" دارای با یکسینه شده ای زیاده ای است و دستگیری وی آشوب نیا میکند. سرانجام محکم زادی "خدا داد" موسیله "شیخ نوری" ما در میشود.

بنا ریح ۵۸/۹/۱۵ "کریم بخش سمیدی" در "واسک" اجتماعي تشکیل میدهد و خواستهای خود را مبنی بر "خودمختاری" (بخوان خان مختاری) و... فراگشت و موسیله "مولوی عبدالعزیز" چه "تم" ایصال میکند. مینا "کریم بخش" در همین موقع قول میدهد که آنها را اجتماع کنندگان) از نظر سلاح و پول تامین کند.

(۱۷) - در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ کلیه خوانین در "کریم بیست" جلسه ای تشکیل میدهند. در این جلسه "میسر ملا داد" سردار رژیم مطرح میکنند که "مولوی عبدالعزیز" با رژیم سازشکاری و کمال همکاری را دارا دروما نیا باید به رژیم اعتماد کنیم مینا "مولا" "مولوی عبدالعزیز" که قبلا وسیله زادی "خدا داد" در یکی "ویسا مران" کریم بخش سمیدی "بود اکنون حتی در مقابل تعقیب و سر و زبکی از مجلس شورای اسلامی موفقگیری نکرده و سکوت مینماید.

(۱۸) - در اینستا با تریاست جمهوری کمیته تبلیغات بنی مدرسین این گفته "مولوی عبدالعزیز" را که "برادری مندر" حقوق ما در مجلس خبرگان دفاع سوده است روی پلاکارد و بزرگ نوشته و بر در و میسوار "زاهدان" چسبانده بودند.

(۱۹) - لازم به تذکر است که در اینستا با تریاست جمهوری "مدنی" بیشترین رای را در این منطقه بخود اختصاص داد. علاوه بر این به استنادی رسیدن "گنتر سهرامی" (وا بسته مینا "مدنی" و خوانین) پس از واقعه میدان شیرشا هدیه گیری برادری ما حسنی بر تقویت لیبرالها از جانب مولویهای مرتجع است. چرا که همانطور که در همه آشکار است در عقبه میدان مولویهای مرتجع و خوانین یک جناح درگیر در این جنگ بر علیه رژیم بودند. مینا "مدنی" که رابطه ای دیرینه با خوانین و مولویهای مرتجع دارد در اسفند ۵۷ مبلغ حدود ۵۰۰۰۰ تومان به "مولوی عبدالعزیز" و نیز ۵۰۰۰۰ تومان به "مولوی قمرالدین" (در مراسم ختم برادر "مولوی قمرالدین" که در "دامن" "ایران شهر" برپا شده بود) میدهد.

(۲۰) - در اینجا لازم به تذکر است که در جناح قدرتمند رژیم ما کم علی رغم آنکه مینا بنی بیکان را در منطقه دستمال میکند، اما هر یک از این در جناح در اجرای این سیاست شیوه ها و تاکتیکیهای خاص خود را دارا است. لیبرالها و مینا مرتجع در هیئت ها که مینا اسطه نیکه از انگیزه بیشتری در شتاب بخشیدن هر چه سریعتر به ساز سازی سیستم سرمایه داری وابسته برخوردارند و نیز به واسطه پیوند و اتکاء کثرت آنان با نهاد های دگم مذهبی عمدتا در این منطقه خوانین اتکاء مینمایند. اما در مقابل "حزب جمهوری اسلامی" بواسطه آنکه یک جانبه اش بر مذهب مولویها را مورد نظر قرار میدهد و تلاش وی در جلب و تقویت آنان است (علیرغم آنکه مینا سولویها خود بواسطه پیوند دیرینه با خوانین و نیز به علت انحصارگرایی "حزب" به لیبرالها گرایش دارند) پیشبینی مینا در باران وجهه ها و زندگی بر او از کابردی "مولوی شهداد" در مقابل "برکت میرزا"



خجسته باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

روز جهانی
همبستگی
کارگران

مبارزه با امدت بالیسیم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست